

درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده حرمت اهانت به مقدسات
موضوع جزئی: یک اشکال نسبت به دلیل اول و دوم و بررسی آن
تاریخ: ۸ اسفند ۱۳۹۶
مصادف با: ۱۰ جمادی الثانی ۱۴۳۹
جلسه: ۴

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

خلاصه جلسه گذشته

بحث در ادله قاعده حرمت اهانت به مقدسات بود، تا اینجا دو دلیل ذکر کردیم، دلیل اول که برای دلیل عقلی است، دو تقریر ذکر شد.

طبق یک تقریر گفتیم عقل حکم می‌کند به قبح اهانت به چیزهایی که نزد مولا محترم است و مرجع اهانت به محترمت عند المولا اهانت به خود مولا و استخفاف مولا می‌باشد، استخفاف مولا هم موجب مذمت است و لذا استحقاق عقاب را به دنبال دارد و استحقاق عقوبت و مذمت هم مستلزم حرمت فعل است. در تقریر اول شمول دلیل نسبت به مطلق محترمت را ذکر کردیم و گفتیم بالاخره از جمله محترمت نزد مولا حرمت انسانها است، و اگر به چیزی که نزد یک انسان مقدس و محترم است اهانت شود این چه بسا استخفاف و استحقار مولا را در پی دارد و بنابر این مشمول این دلیل واقع می‌شود.

در تقریر دوم هم بحث از حکم عقل به قبح ظلم بود، عرض کردیم ظلم اعم است از تضییع حقوق مالی و غیر مالی، بنابر این اگر چیزی نزد کسی مقدس و محترم باشد، اهانت به آن به نوعی استحقار و استخفاف انسان را در پی دارد و طبیعتاً تضییع حقی از حقوق او محسوب می‌شود، لذا به این جهت هم چه بسا بتوان حکم به قبح این عمل کرد. دلیل دوم هم یک قیاس استثنایی بود که «لو قلنا بجواز الاهانة علی المقدسات لیمكن الاهانة من ناحیتهم إلی مقدساتنا لکن التالی باطل فالمقدم مثله».

در این قیاس استثنایی هم مقدمه اول آن و هم مقدمه دوم آن تبیین شد و نتیجه کلی این شد که ما با این بیان چه بسا بتوانیم یک معنای عامی را برای قاعده استفاده کنیم، یعنی بگوییم این دو دلیل اقتضا می‌کند که مطلق محترمت نمی‌تواند مورد اهانت قرار بگیرد، یا به تعبیر دیگر اهانت به مطلق محترمت حرام است و جایز نیست. نکته‌ای که در اینجا باید ذکر شود و مربوط به این دو دلیل است این است که یک اشکالی ممکن است به ذهن برسد، باید این اشکال را مورد بررسی قرار دهیم.

اشکال به دو دلیل

مقدمه: اهانت یک معنای عام و جامعی دارد، به این اعتبار که گاهی اهانت در مرئی و منظر دیگران است، و گاهی به صورت خفی انجام می‌شود، یکوقت مثلاً یک کتاب یا شیئی مقدس در مرئی و منظر معتقدین به آن شیئی و آن کتاب

مورد اهانت قرار می‌گیرد، یکوقت بدون حضور او و بدون اینکه در مرئی و منظر دیگران باشد مورد اهانت قرار می‌گیرد، مثلاً کسی در خلوت خودش یک عمل موهن یا سخن موهنی را در مورد آن شیء مقدس بکار می‌برد، حال این مقدس یکوقت از مقدسات ادیان الهی و آسمانی است و یکوقت از مقدسات ادیان غیر الهی و یا مشرکین، مثلاً کسی یکوقت بت را در مقابل مشرکین مورد اهانت قرار می‌دهد، یکوقت بدون اینکه از مشرکین کسی ناظر باشد این کار را انجام می‌دهد، بالاخره این عمل در هر صورت موهن است، قوام اهانت به این نیست که حتماً در مرئی و منظر کسی باشد، پس اهانت به یک امر محترم هم می‌تواند علنی باشد و هم می‌تواند مخفیانه باشد، یا مثلاً درباره ادیان آسمانی فرض کنید کسی تورات را در مقابل یهودیان مورد اهانت قرار می‌دهد و یکوقت در خفا و بدون اینکه کسی ناظر باشد.

تقریر اشکال بر طبق دلیل دوم: اگر اهانت به صورت مخفیانه محقق شود آنگاه جای این سوال است که طبق دلیل دوم کأن اگر کسی امکان اهانت آنها را به مقدسات ما فراهم کند این کار ناشایستی کرده است ولی اگر به گونه‌ای رفتار کند یا سخن بگوید که امکان اهانت آنها را فراهم نکند، مثلاً در خلوت به کتابی یا شیئی که نزد دیگران مقدس است اهانت کند، آیا این فرض مشمول این دلیل می‌باشد؟ ظاهرش این است که خیر، چون لازمه اهانت یک مسلمان به مقدسات غیر مسلمان و تالی فاسد آن این است که زمینه اهانت آنها را فراهم کند، حال اگر فرض کنید کسی به نحوی رفتار کند که این تالی فاسد را نداشته باشد، با این دلیل حرمت آن ثابت نمی‌شود.

پس اشکال کأن این است که دلیل اخص از مدعا است، مدعا حرمت اهانت به مطلق محترمت و مقدسات است، اما دلیل، حرمت اهانت به مقدسات غیر مسلمین در مرئی و منظر آنها را ثابت می‌کند، اما نسبت به دلیل عقل آیا این اشکال در آنجا هم قابل طرح است یا خیر؟

تقریر اشکال بر طبق تقریر اول دلیل عقل: عرض کردیم دلیل عقل دارای دو تقریر است، در تقریر اول عرض کردیم عقل حکم به قبح استحقار ما هو المحترم عند المولی می‌کند، چون استخفاف و استحقار ما هو المحترم عند المولی، ملازم است با استحقار و استخفاف خود مولا و من جملة المحترمت الانسان و معتقداته، بالاخره انسان نزد خداوند احترام دارد و اصل این است، اگر کسی به معتقدات انسانی اهانت کند به این اعتبار موجب استخفاف او شده است و این سر از استخفاف خود مولا در می‌آورد، اشکالی که نسبت به این تقریر از همین زاویه وارد می‌شود این است که اگر کسی در حضور دیگری به معتقدات او اهانت نکند، که استخفاف او محسوب شود، بلکه خفاءً مثلاً به نوعی به اعتقادات او اهانت کند، آیا این هم استخفاف مولا محسوب می‌شود تا مشمول حکم عقل به قبح شود یا خیر؟ آنچه که در دلیل عقلی در تقریر اول معیار برای حرمت است، این است که استخفاف انسان شود که محترم عند المولی است و سر از استخفاف خود مولا در می‌آورد، حال مستشکل می‌تواند در اینجا اشکال کند که اگر کسی مخفیانه اهانت کند به گونه‌ای که آن انسان اصلاً مطلع نشود، این استحقار و استخفاف او محسوب نمی‌شود و نهایتاً استخفاف المولی نخواهد بود، بنابر این تقریر اول دلیل عقلی هم مثل دلیل دوم اشکال دارد، و اشکالش این است که اخص از مدعا است.

تقریر اشکال بر طبق تقریر دوم دلیل عقل: همین اشکال ممکن است درباره تقریر دوم دلیل عقل مطرح شود، در تقریر دوم از راه حکم عقل به قبح ظلم، حرمت مطلق اهانت را می‌خواست اثبات کند، به این بیان که وقتی کسی به معتقدات یک انسان و مقدسات و محترمت او اهانت کند در واقع به نوعی یک نوع تزییع حق است منتهی، حق معنوی و این هم ظلم است. حال اگر فرض کنید این کار در خفا انجام شود، این دیگر ظلم محسوب نمی‌شود، این استحقار انسان نیست که تزییع حق معنوی باشد و در نتیجه مصداق ظلم قرار بگیرد.

خلاصه اشکال به صورت کلی: پس یک اشکال اساسی که متوجه ادله مذکور می‌باشد همین است که دلیل اخص از مدعا است، مدعا اثبات حرمت مطلق اهانت به مقدسات و محترمت عند کل قوم است، اما ادله‌ای که تا به اینجا اقامه شده است اثبات می‌کند اهانت را به نحوی که این اهانت در مرئی و منظر آن غیر مسلمان باشد، اما اگر اهانت مخفیانه و بدون اطلاع کسی باشد، کأن این اشکال ندارد، این در حالی است که ما یقین داریم، اهانت به محترمت دین اسلام حتی در خفا هم جایز نیست، یعنی کسی نعوذ بالله نمی‌تواند قرآن را ولو در خفا پاره کند، نمی‌تواند آب دهان روی قرآن بیندازد، یا مثلاً فرض بفرمایید یک تمثالی از یک عالم دینی را پاره کند، در مورد محترمت و مقدسات فی الدین مطلقاً اهانت جایز نیست، اما در مورد معتقدات و محترمت و مقدسات دیگران این را نمی‌شود از این استفاده است، این یک اشکالی است که قابل طرح است و باید دید که پاسخ دارد یا خیر.

سوال:

استاد: ما وقتی می‌گوییم حرمت اهانت به مقدسات، همانطوری که اهانت به قرآن به عنوان مقدس فی الدین حتی خفاءً جایز نیست، و موهن مستحق عقاب است و روز قیامت عقاب در انتظار او می‌باشد آیا اگر کسی در خلوت به مقدسی از مقدسات دیگران اهانت کند آیا او هم مستحق عقاب است، اگر ما گفتیم در حوزه روابط اجتماعی حرام است، قهراً کسی که به مقدسات دیگران اهانت کند مستحق عقاب است، اما اگر در خفا این کار را انجام داد آیا مستحق عقاب است؟ بحث این است و می‌خواهیم ببینیم محدوده قاعده کدام است، و در چه وسعتی می‌توان این قاعده را ثابت کرد، در حالی که ما یقین داریم در مورد مقدسات فی الدین، مثلاً کسی در خلوت خود به خدا و پیامبر و اهل بیت جسارت کند و هیچ‌کس هم نفهمد، می‌خواهیم ببینیم بالاخره این شخص باید عقاب شود یا خیر؟ وقتی ما می‌گوییم حرام است مطلقاً بدین معناست که حتی اگر اهانت خفاءً و بدون اینکه در مرئی و منظر دیگران واقع شده باشد، مستحق عقاب است، مثل شرب خمر، همانطور که شرب خمر اگر خفاءً انجام شود مستلزم استحقاق عقوبت است این هم همانطور می‌باشد، و مستلزم استحقاق عقوبت است.

سوال:

استاد: سوال این است که اولاً باید ببینیم اهانت یک واژه‌ای است که قوام آن به بودن طرف دیگر است یا اهانت از نظر معنایی قائم به بودن طرف دیگر نیست که پاسخ آن داده شد، اهانت عملی است که قوام آن به بودن طرف دیگر نیست، بعضی رفتارها، رفتارهای اهانت آمیز است، بعضی الفاظ و واژه‌ها موهن هستند، یعنی اگر کسی بر آنها هم مطلع نشود

موهن است یا اگر عملی انجام داده شود ولو کسی نفهمد این موهن است مثلاً اگر کسی در خلوت خود نعوذبالله بگوید: ای خدای ظالم، و نسبت ظلم به خدا بدهد، این از نظر عرف اهانت محسوب می‌شود.

پس لفظ و واژه اهانت یک معنایی دارد که معنای آن قائم به حضور کسی نیست و لزومی ندارد در مرئی و منظر کسی باشد تا صدق اهانت کند، اهانت یک معنایی است که وابسته و دائر مدار حضور دیگران نیست.

سوال:

استاد: ما برای حرمت اهانت ممکن است دلایل متعدد بیاوریم، مثلاً یک دلیل روایاتی است که حرمت را روی خود عنوان اهانت برده است که ما آن را جداگانه بحث خواهیم کرد، اگر حرمت اهانت به واسطه روایاتی ثابت شود که خود آن روایات حرمت را روی اهانت بار کرده اند، این می‌شود حکم اولی، اگر به عنوان قبح ظلم ما این را حرام بدانیم باز هم حکم اولی است، هر دو اولی است، منتهی ادله آن متفاوت است، یکوقت به آیات استناد می‌کنید و یکوقت به روایات، یکوقت به حکم عقل به قبح ظلم و یکوقت به حکم عقل به استخفاف ما هو المحترم عند المولی، ولی اینها هیچکدام باعث نمی‌شود که این حکم اولی نباشد. بحث بر سر حکم اولی حرمت اهانت است.

سوال:

استاد: این کأن یک اشکال دیگر است، شما می‌خواهید بگویید معتقدات غیر مسلمین اساساً نزد خدا محترم نیست و اهانت به آنها استخفاف و استحقار ما هو المحترم عند المولی نیست، این یک اشکال دیگر است که ضمناً به اشاره کردیم و پاسخ به اشکال ما نمی‌شود، شما در حقیقت می‌خواهید بفرمایید اگر چیزی عند المولی محترم بود و ما معتقدات غیر مسلمانان را نزد مولی محترم دانستیم فرقی بین علنی و غیر علنی نیست، یعنی در حقیقت می‌خواهید اشکال را دفع کنید، حال اگر ما فرض کنیم که چیزی که نزد یک انسان مقدس و محترم است این نزد مولی هم محترم است، و جزء محترمت عند المولی محسوب می‌شود، اگر این را پذیرفتیم، فرقی نمی‌کند، ما در محضر مولی نمی‌توانیم به چیزی که نزد مولی محترم است اهانت کنیم، ولو کسی هم نباشد.

بررسی اشکال به دو دلیل

پاسخی که به این اشکال می‌توان داد همین است.

بررسی اشکال بر طبق تقریر اول دلیل عقل: در مورد دلیل عقل طبق تقریر اول در واقع همه بحث باید روی این نقطه متمرکز شود که معتقدات غیر مسلمین و محترمت و مقدسات نزد غیر مسلمین، اگر عند المولی محترم باشد، استخفاف و استحقار و اهانت به آنها مطلقاً جایز نیست، درست است که استخفاف و استحقار محترمت در مرئی و منظر دیگران اشد است ولی این باعث نمی‌شود که اهانت در خفاء حرام نباشد، پس اگر ما آن مسئله را در اینجا مفروض گرفتیم که به طور کلی چیزی که نزد انسان محترم است، اهانت به آن در حقیقت ملازم با اهانت به مولا است، بنابر این در خفا هم جایز نیست. اگر ما بخواهیم این سخن را بصورت فنی تصحیح کنیم باید اینگونه بگوییم که: واقعاً اگر اهانت به مقدسات

دیگران نزد مولا به معنای استحقاق خود مولا باشد، این دیگر قطعاً فرقی بین خفا و علن نمی‌کند، پس از این جهت اشکالی وارد نیست که بگوییم این دلیل اقتضاء می‌کند که این اگر علنی باشد حرام باشد و اگر مخفیانه باشد اشکالی ندارد، در حالی که عرض کردیم این جهت نمی‌تواند اشکال باشد، اشکال از این جهت به این دلیل وارد نمی‌شود.

بررسی اشکال بر طبق تقریر دلیل دوم دلیل عقل: در تقریر دوم دلیل عقل هم همینگونه است. اگر استحقاق معتقدات یک انسان ظلم به او باشد، ظلم دیگر فرقی نمی‌کند که در خفاء باشد یا در علن باشد، تضييع حق دیگری چه او متوجه بشود و چه متوجه نشود اشکال دارد، بنابر این اگر در خفاء هم انجام شود حرام خواهد بود، البته در این دلیل هم باید همانطور که قبلاً اشاره کردم توجه داشت که اهانت به معتقدات یک انسان غیر مسلمان، تضييع حق او باشد و تضييع حق او حرام و ظلم محسوب می‌شود، پس دلیل اول و دلیل دوم از این جهت مبتلا به اشکال نیستند.

بررسی اشکال بر طبق دلیل دوم: دلیل دوم یک قیاس استثنایی بود که «لو كانت الالهانة إلی مقدسات القوم جائز، لیمكن إهانة غیر المسلمین الی مقدساتنا» نتیجه اش این می‌شود که به مقدسات ما اهانت کنند، لکن فراهم کردن مقتضی و امکان برای اهانت به مقدسات ما جایز نیست، پس اهانت به مقدسات آنها هم جایز نیست.

ظاهراً این اشکال نسبت به این دلیل وارد است، یعنی تمرکز این اشکال روی امکان عکس العمل آنها است، یعنی آنها هم به نوعی به مقدسات ما اهانت کنند، بنابر این اگر این امکان فراهم نباشد دیگر چه دلیلی برای حرمت اهانت می‌توان یافت؟

اللهم إلا أن یقال که مقتضای دلیل دوم یعنی قیاس استثنایی که مؤید به آیه قرآن هم است، این است که در واقع حتی اگر فرض فهم آنها هم بشود، موجب عکس العمل آنها می‌شود یعنی بگوییم آیه می‌گوید، اهانت به مقدسات دیگران جایز نیست، چون امکان برای عکس العمل آنها فراهم می‌کند، حال اگر مخفیانه اهانت صورت بگیرد، درست است که بالفعل آنها امکان عکس العمل ندارند ولی اگر بفهمند عکس العمل خواهند داشت، حال آیا از آیه می‌توان این تقدیر را استفاده کنیم؟

این را از آیه نمی‌توان استفاده کرد، یعنی اینکه حتی بر تقدیر فهم آنها عکس العمل نشان داده شود و امکان حمله آنها را فراهم کند، واقعاً این از آیه استفاده نمی‌شود.

آیه همانطور که گفتیم نهایتاً دلالت می‌کند بر این که امکان عکس العمل آنها را فراهم نکنیم، وقتی کسی در خلوت این کار را انجام دهد قهراً دیگر عکس العملی محقق نمی‌شود و امکان آن هم وجود ندارد.

این یک اشکال مهمی است که نسبت به این سه دلیل مطرح می‌شود، لکن نسبت به دو تقریر دلیل عقل قابل پاسخ است اما نسبت به دلیل دوم که همان قیاس استثنایی باشد چه بسا اشکال وارد باشد.

سوال:

استاد: هر دو احتمال در مورد این دو آیه داده شده است و هر کدام هم قائل دارد، که به آن خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»